

باسمه تعالی

- ۱..... منشأ انصراف تصویری
- ۱..... نظر مشهور: کثرت استعمال در معنای مجازی
- ۱..... نظر مختار: کثرت در محکی شدن فرد غیر معنای موضوع له
- ۲..... حقیقت انصراف تصدیقی
- ۲..... منشأ انصراف تصدیقی

موضوع: اطلاق و تقیید (مقدمات حکمت / تنبیه سوم: حقیقت انصراف)

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسه قبل تنبیه دوم از تنبیهات مقدمات حکمت به پایان رسید. تنبیه سوم در مورد حقیقت انصراف و منشأ و اقسام آن است که در این جلسه بیان می‌شود.

منشأ انصراف تصویری

در توضیح دلیل انصراف تصویری یک لفظ، فقط یک وجه مطرح شده است. گفته شده است علت انصراف تصویری یک لفظ، همان کثرت استعمال است. این فرمایش مشهور صحیح است، اما برای کثرت استعمال دو تفسیر متفاوت وجود دارد، که ریشه آن در نزاع در استعمالات مجازی است:

نظر مشهور: کثرت استعمال در معنای مجازی

در نظر مشهور یک لفظ دارای معنایی موضوع له است. در بسیاری از موارد استعمال مجازی شده و لفظ با قرینه‌ای در غیر معنای موضوع له به کار می‌رود. با کثرت این استعمال مجازی، انصراف محقق می‌شود. بعد از انصراف از آن لفظ همان معنای منصرف الیه به ذهن می‌آید، بدون اینکه قرینه‌ای وجود داشته باشد.

نظر مختار: کثرت در محکی شدن فرد غیر معنای موضوع له

هرچند کثرت استعمال موجب انصراف است، اما به نظر می‌رسد لفظ دائماً در معنای موضوع له استعمال می‌شود. البته گاهی محکی یک لفظ، تمام افراد نیست بلکه دسته‌ای از افراد است. به عنوان مثال در حیوان، دو دسته فرد صامت و ناطق وجود دارد، گاهی محکی حیوان، فقط دسته صامت می‌شوند. اگر محکی در موارد کثیری همان افراد صامت باشد، بعد از گذشت مدتی آن معنایی که به ذهن می‌آید معنای موضوع له نیست بلکه معنای جامع بین افراد صامت است.

در بحث حقیقت و مجاز، در نظر مشهور یک لفظ دو معنی حقیقی و مجازی دارد. گاهی با قرینه لفظ در معنای مجازی خود استعمال می‌شود. به عنوان مثال «اسد» دارای دو معنی حقیقی (حیوان مفترس) و مجازی (رجل شجاع) است. در جمله «رایتُ اسداً فی المدرسة»، به دلیل وجود قرینه «فی المدرسة» در معنای رجل شجاع به کار رفته است؛ اما به نظر می‌رسد «اسد» همیشه به معنای حیوان مفترس به کار می‌رود. هر اسمی در جمله دارای محکی است. در «رایتُ اسداً فی الغابة» محکی لفظ اسد، فردی از حیوان مفترس است، اما در «رایتُ اسداً فی المدرسة» محکی آن، فردی از رجل شجاع است. به هر حال اگر محکی در موارد کثیری، غیر فرد موضوع له باشد، انصراف رخ می‌دهد. بنابراین منشأ انصراف تصویری همان کثرت محکی قرار گرفتن غیر فرد موضوع له است.^۱

حقیقت انصراف تصدیقی

گاهی لفظ شنیده شده و معنای موضوع له تصور می‌شود، اما در مرتبه اینکه متکلم افراد معنی یا بخشی از افراد را اراده کرده است، انصراف تصدیقی رخ می‌دهد. یعنی ذهن بعد از شنیدن لفظ و تصور معنای آن، متوجه می‌شود بعض افراد اراده شده است. به عنوان مثال با شنیدن فقیر در «اکرم الفقیر» معنای آن تصور می‌شود اما مراد مولی، فقیر مومن است، هرچند قرینه‌ای نیست. البته در مرحله تصور «الفقیر الذی له ایمان» تصور نمی‌شود، بلکه عرف می‌فهمد باید فقیر مومن اکرام شود. مثال دیگر «اکرم العالم» که از شنیدن لفظ عالم، عالم دین به ذهن نمی‌آید بلکه انصراف تصدیقی به عالم دین دارد. در موارد بسیاری انصراف از این قبیل است، و معنای لفظ تغییر نمی‌کند. انصراف تصویری دائماً مسبوق به انصراف تصدیقی است. با شدت یافتن انصراف تصدیقی، انصراف تصویری هم ایجاد می‌شود. پس در انصراف تصدیقی هرچند معنای موضوع له به ذهن می‌آید اما فهمیده می‌شود که معنای دیگری مراد است.

منشأ انصراف تصدیقی

منشأ انصراف تصدیقی دائماً قرائنی مانند تناسب حکم و موضوع، تناسب حکم و متکلم و مانند آن است؛ با کثرت استعمال دیگر نیاز به قرینه نیست. پس تکرار قرینه موجب انصراف شده و معنای موضوع له به ذهن آمده، اما تصدیق به حصّه می‌شود.

۱. این مباحث بنا بر نظر مشهور است که با شنیدن لفظ، صورتی به ذهن می‌آید. اما با انکار آن، بحث متفاوت می‌شود.